ادامه از صفحه ۹

می‌توان از فیلم شما برداشت‌هایی دینی و مذهبی هم داشت. در تمام ادیان همه منتظر کسی هستند که در آینده می‌آید، چقدر این نکته مد نظر بوده است.

من یک اشکال جدی به فضاهای فرهنگی خودمان دارم که به شدت سیاست‌زده است، افرادی مثل ما هستند که علاقه‌ای ندارند عضو هیچ جریان سیاسی‌ای باشند و تمام کسانی که به قدرت می‌رسند همیشه یک نوع بدبینی نسبت به آثار ناب فرهنگی دارند و این نگرانی هم وجود دارد. هرچه که متن عمیق‌تر و فلسفی‌تر باشد این نگرانی بیشتر است چون ذوابعادتر و قابل تفسیرتر است. به خصوص که الان هم می‌گویند مولف مرده است. من سعی کرده‌ام حتی‌المقدور آثارم را در بعد فلسفی محدود کنم برای اینکه مسایل دینی ما با مسایل سیاسی مخلوط شده است و حتی وقتی می‌گویند در ستایش ایمان من می‌گویم تم من فراموشی است یک ابزار معرفت بشری که معرفت حضوری است، به یغما رفته است. در فقدان این ابزار بسیاری چیزها از جمله «خود» من به فراموشی سپرده شده است. یکی از فقدان‌هایی که در این فیلم به آن پرداختیم، ارزش امر غیبی است. این همه درباره ایمان به غیب تاکید شده است. اگر غیب یک حضور باشد که فقط ظهورش را از دست داده است، می‌تواند به ما در بسیاری مسایل کمک کند. ما الان در فقدان علم حضوری به سر می‌بریم، ما خودمان را گم کرده‌ایم و می‌بینیم که بسیاری از چیزها را گم کرده‌ایم. خودفراموشی باعث خدافراموشی می‌شود و خدا که از دست برود، همه ارزش‌ها، بنیاد خود را از دست می‌دهند.

به نظر من این ستایش عشق است که در فیلم شما نمود پیدا می‌کند که حالا هرکسی آن را به شیوه خود معنا می‌کند. دکتر حکمت می‌گوید فیلمی در ستایش ایمان، مضامین و معناهای دیگری بر آن متبادر می‌شود و همین‌طور الی آخر؛ این تفسیرپذیری یک اثر هنری است.

ایرادی ندارد. لایه‌های درونی اثر برای هر مخاطب، با هر میزان از دانش یا حتی احساس ممکن است، حرف خودش را داشته باشد. مهم درگیر شدن مخاطب با اثر است. منبع اطلاعاتی یک فیلسوف مثل دکتر حکمت یا دکتر عبدالکریمی که آن برداشت‌ها را داشتند، با منبع اطلاعاتی یک مخاطب عوام یا حتی یک دانشجو فرق می‌کند. ارزش اثر به پرسش‌هایی است که برای مخاطب ایجاد می‌کند.

در این تفسیرپذیری یک اثر هنری چقدر برایتان ارتباط مخاطب با لایه‌های زیرین فیلم مهم است؟ چون به هر حال رفتن سراغ لایه‌های زیرین اثر با در اختیار قرار گرفتن جزییات فلسفی آن امکان‌پذیر است؟

این تنها مشکل من نیست. در تمام طول تاریخ کسانی که می‌خواهند از حوزه تفکر شروع کنند و به یک ایده نمایشی برسند، این معضل را داشته‌اند. معمولا ایده‌های نمایش از یک موقعیت نمایشی می‌آید. موقعیت هملت همیشه بوده است. گاهی شما از یک شخصیت الهام می‌گیرید. حالا چه امیرکبیر و مختار باشد یا ابن‌سینا یا شیخ مفید یا مثلا لینچ می‌آید درباره مرد فیل‌نما فیلم می‌سازد. گاه یک ایده نمایش به جای موقعیت‌های اجتماعی از صفحه حوادث ساخته می‌شود یا حوزه‌های اطلاعاتی جدید مثل آمدن اینترنت و کامپیوتر. اما گاهی ایده از یک اندیشه می‌آید مثلا از نیچه یا ماکس وبر کتابی را خوانده‌اید و می‌خواهید آن را در یک موقعیت نمایشی بیاورید. تبدیل تفکر و اندیشه به مواد صوری یا علت مادی نمایشی دشوارترین نوع کار است. همیشه هم دو نتیجه دارد یا کار متعلق به خواص می‌شود یا موفق می‌شوند و با عوام ارتباط برقرار می‌کنند و استحاله علت غایی در علت صوری به بهترین شکل ممکن اتفاق می‌افتد یعنی محتوا و اندیشه در این شکل‌های صوری و مادی خود را نشان می‌دهند. من این تجربه را در شکل تاریخی‌اش انجام داده‌ام و حالا در شکل معاصر می‌خواستم مطرح کنم که از آن تجربه قبلی – زشت و زیبا – بسیار استفاده کرده‌ام. فکر می‌کنم مردم کاملا با این درام عاشقانه ارتباط برقرار کرده بودند. همه درگیر این انتخاب خانم کرامتی بودند و در ضمن این یکی، دوتا سوال هم اذیت‌شان می‌کند آیا خودش بود یا نه؟ این تعلیق ادامه داشته باشد، شما به هدف خود می‌رسید و آن چیزی که مخاطب خودش کشف کند، بیش از هرچیزی مهم است.

و این ایده آنقدر برایتان جذاب است که با ابزار سینما سراغ مخاطب می‌آیید؟

کتمان نمی‌کنم پرسش از زمان و وجود در دوران معاصر که چیزی به نام عالم رسانه، فروپاشی معنا و دنیای مجازی بر آن حاکم است، همه پرسش‌های فلسفی بی‌جواب است. عده‌ای سینما را برخاسته از روح جدید و تکنولوژی می‌دانند ولی به نظر من در سینما شاعرانگی وجود دارد که هدف‌بودن و میراث‌بری آن نسبت به هنرهای دیگر را مطرح می‌کند. مثلا تمام دغدغه‌ها و سبک و ساختار سهروردی را در آثار تارکوفسکی می‌بینیم. در سینما بیش از آنکه یک تخیل تکنولوژیک باشد، یک تخیل شاعرانه است و آن شاعرانگی می‌تواند خودش را از بند تکنولوژی رها کند. می‌بینیم که سینما به‌مثابه یک زبان برای ما هنوز فرصت‌های زیادی را ایجاد می‌کند و بدبین‌ترین فیلسوفان جهان نظیر «هایدگر» کورسویی را در هنر و سینما جست‌وجو می‌کنند. زبان هنوز آخرین خانه کاملا خراب‌نشده ماست. سینما برای ما تنها یک ابزار نیست، یک هدف است. سینما، زبان است. زبان، همان اندیشه است. ما از طریق زبان می‌اندیشیم، پس زبان به‌رغم همه صدماتی که بر آن وارد شده، هنوز آخرین خانه امید ماست.

رییس اداره تئاتر از بلاتکلیفی «خانه نمایش» می‌گوید

سختی می‌کشیم تا وعده محقق شود

کیمیا امینیان

ورود شما به عنوان مدیر به اداره تئاتر با این تغییر و تحول بزرگ و بازسازی همراه شد. تعطیلی و بلاتکلیفی چند ماهه و حالا اینجا با مشکلاتی که در آن وجود دارد.

ساختمان خیابان پارس اواخر خردادماه تخلیه شده است و دفتر طرح‌های عمرانی وزارتخانه تحویل داده شد و آماده تخریب و بازسازی است. البته قرار است ساختمان مجاور این زمین هم خریداری شود و به زیربنای اداره تئاتر سابق اضافه شود. بودجه خرید آن ساختمان هم تامین شده و قرار است با ۲۰ پلاتو تمرین مجهز و دو سالن نمایش راه‌اندازی مجدد شود. ما امیدواریم با این ساختمان بتوانیم مجموعه ماندگاری را برای تئاتری‌ها به وجود بیاوریم که گروه‌های نمایشی بتوانند در آن به راحتی فعالیت کنند. بخشی از تغییر و تحولات خواست خود من هم بود. دوستان دیگر هم تلاش‌هایی کرده بودند، من در ادامه کارهای آنها، برنامه‌ریزی کردم تا آن ساختمان بازسازی شود. جلسات زیادی را با مسوولان داشتم و آنجا تعطیل و اینجا جایگزین شد. همین الان هم پیگیر بازسازی و ساخت ساختمان جدید هستیم. دوره سختی است اما اگر با نتیجه همراه باشد لذت‌بخش و برای تئاتر مفید خواهد بود.

قبول دارم که بالاخره مرکز هنرهای نمایشی، ساختمانی را برای استقرار موقت اداره تئاتر و خانه نمایش پیدا کرده است؛ اما فکر می‌کنم هنوز نتوانسته‌اید خانه نمایش را راه‌اندازی کنید؟

فکر می‌کنم همه این اتفاقاتی که برای خانه نمایش و اداره تئاتر افتاده ناشی از کمبود بودجه‌ای است که در تئاتر وجود دارد و همه کارها را به تاخیر انداخته است. البته براساس صحبت‌هایی که شده ظاهرا بودجه بازسازی اداره تئاتر و خانه نمایش و راه‌اندازی مکان موقت آن در این محل تازه ابلاغ شده است و در یکی، دو روز گذشته هم گروهی از طرف معاونت هنری برای بازدید به محل موقت اداره تئاتر آمده‌اند و بازدید و برآورد کلی کردند. قرار است این بودجه در سریع‌ترین زمان ممکن ابلاغ شود تا در چند هفته آینده خانه نمایش به جمع سالن‌های تئاتر بازگردد. در حال حاضر سالن خانه نمایش آماده است و اتاق فرمانش دیوارکشی شده و بقیه کارهایش شامل کابل‌کشی، سیستم آکوستیک دیواره‌ها و نصب دستگاه‌های فنی باقی مانده است. اگر همه این کارها با عجله انجام شود فکر می‌کنم در اول مهر ما می‌توانیم در سالن نمایش اجرا داشته باشیم.

منظور از سالن نمایش همین سالنی است که در کنار این مکان موقت قرار است راه‌اندازی شود؟

بله. سالنی که در کنار اداره تئاتر در خیابان پارس بود همراه با آن تعطیل شد و قرار است تخریب و با شکل و شمایل تازه‌ای راه‌اندازی شود. البته از بخش‌های مختلف اداره تئاتر در حال حاضر تنها خانه نمایش فعالیتش را آغاز نکرده است. پلاتوهای تمرینی که در این ساختمان در نظر گرفته شده در حال کار هستند و داریم به ۶۹ گروه نمایشی سرویس می‌دهیم. گروه‌های نمایشی که مربوط به جشنواره‌های مختلف هستند و از طرف مرکز هنرهای نمایشی معرفی شده‌اند.

تا جایی که یادم هست چند سال پیش خانه نمایش در خیابان پارس بازسازی و با مدیریت خود شما هم افتتاح شد.

درست می‌گویید بازسازی شد. اما از آنجایی که آن ساختمان یک ساختمان قدیمی ۴۰، ۵۰ساله بود، استحکام لازم را نداشت و حتی همکاران ما در بخش پلاتوها تمرین می‌کردند، ساختمان می‌لرزید. ممکن بود خدای نکرده با کوچک‌ترین زلزله‌ای همه ساختمان فرو بریزد و با توجه به حجم شبانه‌روزی همکارانی که در آن تمرین می‌کنند فاجعه‌ای رخ دهد. ما سعی کردیم جلو فاجعه را قبل از وقوع بگیریم و آنجا را بازسازی کنیم. این ساختمان باید یا مقاوم‌سازی می‌شد یا از نو ساخته می‌شد که سرانجام هم به این نتیجه رسیدیم که با توجه به تخلیه ساختمان گزینه دوم را انتخاب کنیم. بعد پیشنهاد کردیم که اگر ساختمان همجوار این ساختمان هم خریداری و به آن اضافه شود و محوطه‌ای با زیربنای ۷۶۰متر ساخته شود. با این فضا می‌توان چندین پلاتو تمرین و دو سالن نمایش همان‌طور که در نقشه پیشنهادی ما هست، ساخت. بازسازی که چند سال پیش انجام شد بیشتر رنگ و نقاشی ساختمان و خانه نمایش بود. بازسازی اساسی نبود چون در همان زمان هم برای بازسازی اساسی باید ساختمان تخلیه می‌شد. اما ساختمان تخلیه نشد طبقه به طبقه تعمیراتی صورت گرفت.

به نظر نمی‌رسد پلاتوهای تمرین این ساختمان استاندارد باشد؟

بله، همان طوری که گفتید پلاتوهای تمرین اینجا اصلا استاندارد نیست. این ساختمان مدرسه بوده و به صورت موقت برای دو سال قرار شده که در اختیار اداره تئاتر قرار گیرد. ما همان کلاس‌های درس را برای پلاتوهای تمرین اختصاص دادیم. سعی کردیم با ترفندهایی آنها را آماده کنیم. در اداره قبلی با وجود قدیمی بودن همه پلاتوهایش اتاق رختکن، دستشویی به صورت مجزا داشت. اما اینجا این امکانات را ندارد.

پس حداقل در دو سال آینده گروه‌هایی که میهمان اداره تئاتر هستند و سالنی برای تمرین ندارند باید در شرایط غیراستانداردی خود را آماده‌سازی کنند؟

یک سری مشکلات وجود دارد. ما همه تلاش‌مان را هم می‌کنیم که آن ساختمان در سریع‌ترین زمان ممکن آماده استفاده شود. گروه‌های نمایشی هم به امید راه‌اندازی یک ساختمان استاندارد سختی‌ها را تحمل خواهند کرد، مثل خود ما.

خانه نمایشی که در این محل راه‌اندازی می‌شود، چه؟ خود شما فکر می‌کنید این سالن با توجه به مواردی که اشاره کردید که اساسا اینجا برای کاربری دیگری ساخته شده و در اختیار تئاتر قرار گرفته استاندارد اجرای نمایش را دارد؟ آمفی تئاتر مدرسه بوده؟

نه سالن برگزاری امتحان مورد استفاده قرار می‌گرفته است. ما تعمیراتی کردیم و سالن فرمان برایش راه‌اندازی کردیم. اتاق گریم و تعویض و نور هم آماده شده. سالن بزرگی است که مانند خانه نمایش قبلی ظرفیت ۶۰ تماشاگر را در حالت عادی دارد. اگر استاندارد آکوستیک شود حتما قابلیت اجرای نمایش را دارد.

وقتی قرار است یک جایی را خراب کنیم وعده می‌دهیم که از شش‌ماه تا دوسال بعد آماده افتتاح خواهد بود. اما تجربه نشان داده که نه شش ماه نه یک سال که سال‌های سال ساختمان‌ها نیمه‌کاره می‌مانند تا شاید بعد از ۱۰، ۲۰سال تکمیل شود. چقدر امیدوارید که وزارت ارشاد سر دو سال اداره تئاتر را در خیابان پارس به چرخه تئاتر بازگرداند؟

من که خیلی خوشبین هستم و امیدوارم. خودم در حدی که توان دارم تلاش می‌کنم در زمانی که قول دادم آن ساختمان را آماده کنیم. از دوستان تئاتری هم خواهش کردم که همراهی کنند این اتفاق خجسته هر چه زودتر بیفتد. برای خود وزارت ارشاد هم بهتر است که این ساختمان را هر چه زودتر آماده کنند و بگویند که این ساختمان در زمان خودشان راه‌اندازی شد.

درست است هنوز خانه نمایش راه نیفتاده اما فکر می‌کنم کمتر کسی می‌داند که اداره تئاتر به این مکان منتقل شده؟

امیدواریم با راه افتادن سالن خانه نمایش، تئاتری‌ها با این مکان هم آشنا شوند. می‌دانید که خانه نمایش سابق مثل خود اداره تئاتر ۴۰سال سابقه داشت و آشنای تئاتری‌ها بود. اینجا اگر راه‌اندازی شود حتما بعد از مدتی می‌تواند هنرمندان را به اینجا بکشاند.

برنامه شما برای افتتاحیه خانه نمایش چیست؟

اگر در زمانی که برنامه‌ریزی کردیم آماده شود با رپرتوار دفاع مقدس افتتاح می‌کنیم. بعد شورای انتخاب خانه نمایش کارهای بعدی.

این ساختمان با همه غیراستاندارد بودنش تعداد پلاتوهایش بیشتر از ساختمان قبلی است؟

در آن ساختمان، شش پلاتو تمرین داشتیم و اینجا ۹ سالن تمرین داریم.

تصویری از خانه نمایش، عکس: مهر

اداره تئاتر برای اهالی تئاتر یک ساختمان ۴۰ساله نیست، بخشی از تاریخ آن است. اداره‌ای که ۴۰و چند سال پیش با همت کسانی چون علی نصیریان و جعفر والی در خیابان پارس راه‌اندازی شد تا تئاتر حرفه‌ای کشور بتواند با حمایت بخش دولتی رشد کند. اداره‌ای که در طول این ۴۰ و چندسال سهم بزرگی از رشد تئاتر را بر دوش کشید، ۱۰ سالی است که با مشکلات زیادی روبه‌رو بوده. اما در سال‌جاری مرکز هنرهای نمایشی تصمیم گرفت این ساختمان ۴۰و چند ساله را خراب کند و ساختمان جدیدی به جای آن بسازد. تصمیمی که مریم معترف، مدیر کنونی آن معتقد است می‌تواند اتفاق مهمی باشد. اما در شش‌ماهی که از تعطیلی اداره تئاتر می‌گذرد هنوز وضعیت اداره تئاتر نامعلوم است.

فکر می‌کنم حتی گروه‌های نمایشی هم سردرگم مانده‌اند.

از نگاه درون

کم‌رنگ شدن اهمیت تاریخی اداره تئاتر

داوود فتحعلی‌بیگی*

■ از اهمیت اداره تئاتر در تاریخ تئاتر ایران نمی‌توان غافل بود و آن را منکر شد. در همین سال‌ها هم پژوهشگران زیادی در این مورد نوشته‌اند منتها تذکر یک نکته ضروری است این اداره برای سامان‌بخشیدن به جریان تئاتر حرفه‌ای ایران راه‌اندازی شده بود و زیر نظر مستقیم وزارت فرهنگ و هنر اداره می‌شد. اما بررسی سال اخیر با توجه به تحولاتی که در حوزه اداری در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی رخ داد، اداره تئاتر عملا کارکرد اداری خود را از دست داد و تبدیل به یک اداره بلااستفاده شد که تنها برای تمرین گروه‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت. در حالی که در گذشته وظیفه‌ای که امروز مرکز هنرهای نمایشی برعهده دارد، به دست اداره تئاتر بود و چهره‌های سرشناسی چون علی نصیریان و پرویز فنی‌زاده در این اداره رفت‌وآمد می‌کردند. اتفاق دیگری که برای اداره تئاتر افتاد و از میزان اهمیت آن کم کرد، این بود که شغل‌ها را ستاره‌دار کردند و با ستاره‌دار شدن این شغل‌ها هر کسی که بازنشسته می‌شد، شغل‌اش هم با او از اداره تئاتر می‌رفت و به تاریخ می‌پیوست. با این روند استخدام در اداره تئاتر ممنوع شد و در کنار اینها در هر دوره‌ای هر مدیری که وارد اداره تئاتر شد، به سلیقه خودش تصمیم می‌گرفت و در نهایت وضعیت اداره تئاتر هر روز بغرنج‌تر از دیروز می‌شد و جایی که روزی محل تولید تئاتر نه تنها در تهران، بلکه در شهرستان‌ها بود به اداره‌ای بدون خاصیت تبدیل شد. دوره‌هایی را در تاریخ تئاتر ایران داریم که کارشناسان و استادانی که در اداره تئاتر استخدام بودند برای تدریس تئاتر به شهرستان‌ها رفتند و استعدادهای درخشانی را در این شهرستان‌ها پیدا کردند که امروز بدنه اصلی تئاتر و سینمای ایران را تشکیل می‌دهند. در این ۳۰سال مدیرانی به اداره تئاتر آمدند که از فعالیت می‌ترسیدند و به اصطلاح مدیریت ترمز داشتند که خودش از معضلات اداری بود. همین شیوه‌های اداری باعث شد تا در دوره‌ای اداره تئاتر تا مرحله منحل شدن برود و اگر همراهی آقای مسجد جامعی وزیر فرهنگ وقت نبود، اداره تئاتر برای همیشه تعطیل می‌شد. حالا در دوره مدیریت جدید خوشبختانه شنیده‌ام خانم معترف که از سال‌ها پیش همراه ما در اداره تئاتر بودند، توانسته‌اند راه‌حلی را برای برطرف کردن بخشی از مشکلات اداره تئاتر به‌خصوص از ناحیه ساختمان پیدا کنند. من امیدوارم تلاش‌های ایشان به ثمر برسد و ما شاهد بازگشت اداره تئاتر به روزهای طلایی خود تا حدودی باشیم.

*رییس سابق اداره تئاتر

تماشاخانه

پدربزرگ دوست ندارد پاسخ دهد

فروغ سجادی

کانال را عوض می‌کنم، به شماره چهار که می‌رسم، می‌بینم همه اعضای خانواده دور هم جمع شده‌اند، برایم جالب می‌شود، بحث بازگشت پدرو پدربزرگ از سفر و تقسیم سوغاتی است، بچه‌ها زیاد شده‌اند، هرکدام خواسته‌ای دارند، پدربزرگ صحبت می‌کند و حق را به بعضی از نوه‌هایش می‌دهد، صحبت از سفر فرانسه و شرکت در یک فستیوال مهم تئاتری است، یکی می‌گوید چرا پدر و پدربزرگ باید بروند سفر؟ چند نفر هم معتقدند چرا بین بچه‌های ارشد و کوچک همیشه فرق می‌گذارند و فقط فرزندان یکی یک‌دانه را به سفرهای دور می‌برند؟ یکی می‌گوید چرا بدون ما؟ و دیگران که فرزندان ارشد هستند، می‌گویند اگر پدر با پدربزرگ نرود کی باید برود؟ بعد نوبت به تقسیم سوغاتی می‌شود؛ یکی‌یکی با شرم و حیا سراغ سوغاتی را می‌گیرند، پدر می‌خندد و پدر بزرگ مکث می‌کند. این‌بار بچه‌ها بدون خجالت می‌پرسند چه خبر؟ پدربزرگ می‌زند کانال دیگر، ولی ما همچنان تماشاگر کانال چهار هستیم، آخرسر لبخندی می‌زند و می‌گوید چقدر می‌پرسید وقت کم است و پرسش‌ها زیاد، این بار گزارشگر هم به میدان می‌آید و می‌پرسد چه خبر از سوغاتی؟ پدر بزرگ خوشش نمی‌آید اما به روی خود هم نمی‌آورد و گزارشگر و برنامه‌های تند خانوادگی‌اش را دلیل اصلی اختلاف‌های او و فرزندانش عنوان می‌کند البته تاکید هم می‌کند: همیشه از آدم‌های پرسشگر خوشش می‌آید و در شرایطی مناسب‌تر پاسخگوی پرسش‌های همه فرزندان و آشنایان هست ولی هر پرسش جایی دارد و هر نکته مکانی...

گله بچه‌ها بالاتر می‌گیرد، دیگر بدون تعارف همه سوغاتی می‌خواهند و هرکدام در یک سوال مشخص جلو دوربین می‌پرسند: برایمان چه آوردید؟ یکی از فرزندان پررو پا را از گلیم خود درازتر می‌کند و صحبت هزینه سفر و حساب بانکی خانوادگی را پیش می‌کشد و می‌گوید: پدران هم مثل فرزندان می‌توانند به سفر بروند اما نه با پول حساب خانوادگی!

این بار نزاع خانوادگی جدی‌جدی می‌شود و موضوع برای من جذاب‌تر. پدر با لبخندی همیشگی از زیر پاسخ دادن درمی‌رود، پدربزرگ زیاد خوشش نمی‌آید و با اخم سکوت می‌کند بعد هم کاسه‌کوزه‌ها را سر گزارشگر و برنامه تلویزیونی‌اش می‌شکنند. اینجا هیچ‌کس از اعضای نزدیک خانواده به روی خودش نمی‌آورد چه خبر است، ما اعضای فامیل هم هیچ به روی خودمان نمی‌آوریم، موضوع بحث عوض می‌شود و برنامه ادامه پیدا می‌کند، می‌خواهم کنترل تلویزیون را بردارم و خودم را متقاعد کنم تا دیگر به دیدن این نزاع خانوادگی ادامه ندهم اما متقاعد نمی‌شوم، دیگر برنامه برایم جذابیتی ندارد چون در بخش اولش مانده‌ام و از خودم می‌پرسم «چرا پدران از دادن پاسخ به سوال‌های فرزندان‌شان می‌ترسند؟» با خودم گفتم فردا از پدربزرگ در این‌باره حتما می‌پرسم اما فردا منصرف شدم چون پدربزرگ از نوه‌های کنجکاو زیاد خوشش نمی‌آید و دوست ندارد به همه پرسش‌ها پاسخ دهد؟

جدول ۱۳۱۱

افقی:

۱- شهری در اردبیل - مخلوط کردن ۲- گناهان - غیرحرفه‌ای - غزال ۳- دروغ ترکی – پنبه‌زن - گل ساختمانی ۴- برابر و مساوی - جنبیدن - ساز شاکی - سستی ۵- نالوطی - ساحل دریا ۶- مرگ و پایان حیات - پایین - صادق ۷- چوبه دستی پیر - آواز خواندن - نخ بافتنی ۸- مترسک - شهر عبا - قدرت و توان ۹- آستانه خانه - پیامدها - سوراخ کردن ۱۰- فرمان کشتی - بالاپوش بلند - مرزبان ۱۱- سخت گرفتن - دریغا ۱۲- برابر - صفحات معروف اینترنتی - قاتل امام حسین - ماه سرد ۱۳- کالا و متاع - تزیین خانه – بیماری که در اثر تورم رگ‌ها به وجود می‌آید ۱۴- نرم - سرگردان شدن - با ایمان ۱۵- کتابی از صادق چوبک - قاره آمریکا

عمودی:

۱- زیر، تحت - عابد گوشه‌نشین - کشوری در مدیترانه ۲- بقایا - محل صدور - نام دخترانه ۳- پول خرد اسپانیا - جمع ناموس - پاندول ساعت ۴- آسمان‌ها - گیاه خاردار که در مناطق گرمسیر می‌روید ۵- خوابیدن - کوشا - ویتامینی در روغن‌ها ۶- حرف همراهی - در حال لرزیدن - عین عبارت - ابن ۷- بی‌خطر - کتاب شاعر - از ظروف آزمایشگاهی ۸- به کسی سپردن - خبرگزاری انگلیس - وام ۹- ماشین‌نویسی - سدی در استان مازندران - قوم آتیلا ۱۰- حرف بیزاری - شگرد - دعا - تخم مرغ فرنگی ۱۱- الاغ - رودی در خراسان - مخفف هم او ۱۲- دریانورد پرتغالی - موثر و مفید ۱۳- گل شهیدان - همدلی و یکرنگی - بهره و نصیب ۱۴- ساکنان محله - کتاب مشهور گوته - کار نسنجیده ۱۵- مرغ سخنگو - ظرف چوبی گل‌کشی - خبر گزاری دانشجویی

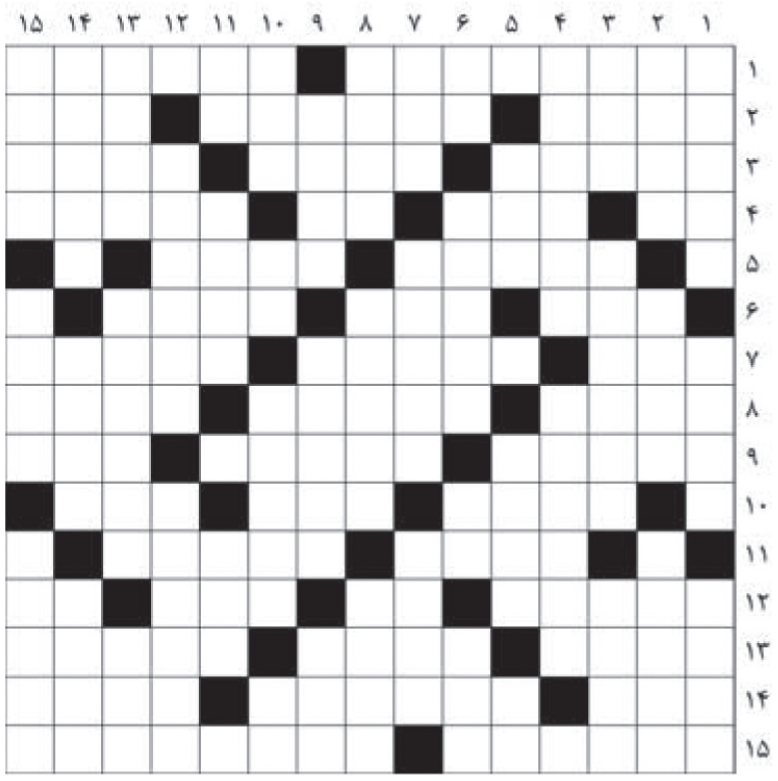

حل جدول ۱۳۱۰

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

حل سودوکو ۳۱۳

۳	۸	۹	۶	۷	۱	۵	۴	۲
۶	۷	۱	۵	۲	۴	۹	۸	۳
۲	۵	۴	۳	۹	۸	۱	۶	۷
۱	۹	۶	۸	۳	۲	۷	۵	۴
۵	۲	۳	۷	۴	۶	۸	۹	۱
۷	۴	۸	۹	۱	۵	۳	۲	۶
۸	۳	۵	۲	۶	۷	۴	۱	۹
۹	۱	۲	۴	۵	۳	۶	۷	۸
۴	۶	۷	۱	۸	۹	۲	۳	۵

سودوکو ۳۱۴

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

				۸				۲
	۳	۱			۵	۹	۸	
	۷		۴	۹	۱		۳	
			۵	۴			۹	
				۶		۷	۲	
		۶		۳		۵		
		۲	۶		۸	۴		
۱				۵				۹
	۶						۱	